



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات گرایش فلسفه و کلام اسلامی

بررسی رابطه‌ی علم النفس و معادشناسی در اندیشه صدرالمتألهین شیرازی

به وسیله‌ی
محمد هاشمی فرد

استاد راهنما
دکتر علی محمد ساجدی

شهریور ماه ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا
اظہارنامہ

ایجناب محمد ہاشمی فرد دانشجوی رشته‌ی الہیات گرایش فلسفہ و کلام اسلامی دانشکدہ ادبیات و علوم انسانی اظہار می‌کنم کہ این پایان نامہ حاصل پژوهش خودم بودہ و در جاہایی کہ از منابع دیگران استفادہ کردہ‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشتہ‌ام. همچنین اظہار می‌کنم کہ تحقیق و موضوع پایان نامہ‌ام تکراری نیست و تعہد می‌نمایم کہ بدون مجوز دانشگاہ دستاوردهای آن را منتشر ننمودہ و یا در اختیار غیر قرار ندم. کلیہ حقوق این اثر مطابق با آیین نامہ مالکیت فکری و معنوی متعلق بہ دانشگاہ شیراز است.

نام و نام خانوادگی: محمد ہاشمی فرد

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۷/۱۱

به نام خدا

بررسی رابطه‌ی علم النفس و معاد شناسی در اندیشه‌ی صدرالمতالهین شیرازی

به کوشش:

محمد هاشمی فرد

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت‌های

تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

فلسفه و حکمت اسلامی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه‌ی:

دکتر علی محمد ساجدی، استادیار (استاد راهنما)
دکتر قاسم کاکایی، استاد (استاد مشاور)
دکتر لاله حقیقت، استادیار (استاد مشاور)

شهریور ۱۳۹۱

تقدیم به

باکال خضوع تقدیم به

مادر مهربانم

که همواره پشتیبانم بود و معنای فداکاری و عشق راستین را به من آموخت. او که سادگی اش سرشار از صداقت و دستان پینه بسته اش ملو از مهر و عاطفه بود.

سپاسگزاری

از فرمایشات حضرت علی (ع)

" العلمُ لاینتهی " " علم پایان ندارد "

سپاس و ستایش بی منتها خدای را سزااست که انسان را آفرید و اسما بر وی تعلیم نمود، به زیور علم و معرفت بیاراست و به واسطه آن، تاج "لقد کرمنا" بر تارک او نهاد، اولین آیت نازل به رسول خاتم را با " اقرا " آغاز نمود و قلم را دستمایه سوگند خویش قرار داد، حکیمی که انوار هدایت خویش را بر عموم کائنات تابان گردانید، پرتو فیض عمیم را در همه موجودات پدیدار ساخت و هر موجودی را به کمال لایق آن رهبری فرمود.

حال که کار این رساله به فضل و عنایت خداوند رحمان به مرحله نهایی رسیده است ، بر خود فرض می دانم تا از عزیزانی که مرا در انجام این کار و به فرجام رساندن آن یاری رساندند ، قدردانی نمایم ، در این میان ، خویشتن را رهین منت استاد راهنمای گرانقدر جناب آقای دکتر علی محمدساجدی می دانم که همواره مرا از بحر معرفت و بزرگواری خویش بهره مند نمودند، باشد که انوار هدایت آنان در سراسر زندگی چراغ راهم باشد. همچنین مراتب سپاس و قدردانی خود را از اساتید مشاور ارجمند جناب آقای دکتر قاسم کاکایی و سرکار خانم دکتر لاله حقیقت عرضه می دارم و از مساعدت ایشان سپاسگزارم و از خداوند منان صحت و سلامت آنان را خواستارم. همچنین از همکاری خانم ملک زاده کارکن زحمتکش گروه و آقای سلیمانی نژاد مسؤل محترم سالن تشکر می نمایم . و در پایان از دوستان عزیزم آقایان جواد زابلی و رضا شهری به جهت همکاری صمیمانه با اینجانب و سایر دوستان ، به پاس محبت و همراهی شان بی نهایت سپاس گذارم.

چکیده

بررسی رابطه‌ی علم النفس و معاد شناسی در اندیشه‌ی صدرالمتالهین شیرازی

به وسیله‌ی

سید محمد هاشمی فرد

شناخت نفس انسان و حیات پس از مرگ از مقولاتی است که نقش به‌سزایی در زندگی انسان‌ها دارد. از آنجا که رابطه‌ی این دو مقوله از قبیل رابطه‌ی غایت و ذی غایت و مسیر و منتهاست، لذا در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند. پژوهش حاضر در صدد بررسی رابطه‌ی این دو مقوله در اندیشه‌ی ملاصدراست. بدین ترتیب که پس از گذری اجمالی بر نفس شناسی متقدمین، نفس شناسی ملاصدرا و نظریات بدیع ایشان مطرح، بررسی و بعضاً نقد می‌شود. نتیجه‌ی این تلاش رسیدن به نفس شناسی متفاوت ملاصدرا با عناصری چون سعه‌ی وجودی و تعریف ناپذیری نفس انسانی، عدم انحصار تجرد، در تجرد قوه‌ی عاقله، عدم ثنویت نفس و بدن، قدرت نفس انسانی در خلق صور یا امور خارجی در صورت کمال نفس، بدون نیاز به ماده‌ی قابل و صرفاً به واسطه‌ی جنبه‌ی فاعلی و تکامل ذات و جوهر انسان به موازات تکامل ادراکات خواهد بود. سپس به بررسی معاد شناسی صدرالمتالهین می‌پردازیم که ثمره‌ی آن با توجه به تحولات بنیادین نفس شناختی، اثبات معاد جسمانی با بدنی غیر عنصری، پاسخ‌گویی به شبهات معاد جسمانی، برهان آوری قاطع بر بطلان تناسخ، حل مشکل حشر نفوس ناقص و متوسط، اثبات حشر برخی حیوانات، تبیین خرد پذیر بسیاری از آموزه‌های مربوط به معاد خواهد بود و در پایان به کیفیت ارتباط این دو مقوله پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: نفس، معاد جسمانی، تجرد قوه خیال، حدوث جسمانی، خلاقیت خیال، حرکت جوهری

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: مقدمه	
۲	۱-۱- طرح مسأله تحقیق
۳	۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق
۳	۳-۱- هدف تحقیق
۴	۴-۱- پیشینه تحقیق
۵	۵-۱- روش تحقیق
۵	۶-۱- سؤالات تحقیق
۶	۷-۱- فرضیه تحقیق
۶	۸-۱- ایضاح مفهومی
فصل دوم: نفس شناسی	
۱۰	۱-۲- مقدمه
۱۱	۲-۲- تعریف نفس
۱۴	۳-۲- وجود نفس
۱۴	۱-۳-۲- رویکرد روان شناختی
۱۵	۲-۳-۲- رویکرد کارکرد شناختی
۱۵	۳-۳-۲- رویکرد زبان شناختی
۱۶	۴-۳-۲- رویکرد ذهن شناختی
۱۷	۵-۳-۲- رویکرد خودآگاهی
۱۷	۶-۳-۲- رویکرد پزشکی
۱۷	۴-۲- تجرد نفس
۱۷	۱-۴-۲- ایضاح لغوی و اصطلاحی مفهوم تجرد
۱۸	۲-۴-۲- نظریات گوناگون درباره تجرد یا مادیت نفس

۱۸	۲-۴-۱-۲- نظریات طرفداران مادیت نفس
۱۹	۲-۴-۲- نظریات طرفداران تجرد نفس
۱۹	۲-۴-۲-۱- تجرد نفس از منظر متقدمان
۲۱	۲-۴-۲-۲- براهین تجرد نفس
۲۴	۲-۴-۳- انتقادات صدرا بر ادله‌ی تجرد نفس
	۲-۴-۴- انتقادات ملاصدرا بر متقدمان در بحث تجرد نفس (دلایل ملاصدرا بر حدوث جسمانی نفس)
۲۵	۲-۴-۵- تجرد نفس از منظر صدرالمتألهین
۲۶	۲-۵-۱- دلایل متقدمان بر بقای نفس
۲۷	۲-۵-۲- نقد صدرا بر براهین متقدمان
۲۸	۲-۵-۳- نظر صدرا درباره‌ی بقای نفس
۳۴	۲-۶-۱- حدوث یا قدم نفس
۴۰	۲-۶-۱- دلایل قائلین به قدم نفس
۴۲	۲-۶-۲- آیات و روایات دال بر قدم نفس
۴۳	۲-۶-۳- نقد صدرا بر دلایل قدم نفس
۴۹	۲-۶-۴- تحلیل صدرا از آیات و روایات دال بر قدم نفوس
۵۰	۲-۶-۵- اقوال قائلین به حدوث نفس
۵۰	۲-۶-۶- براهین متقدمان بر حدوث نفس
۵۹	۲-۶-۷- تبیین نظریه‌ی حدوث جسمانی نفس
۶۱	۲-۶-۸- دلایل صدرا بر حدوث جسمانی نفس
۶۴	۲-۶-۹- نقد ملا رجعلی تبریزی بر نظریه حدوث جسمانی نفس
۶۴	۲-۶-۱۰- شبهه خواجه نصیر و پاسخ صدرا به آن
۶۶	۲-۶-۱۱- شبهات دیگر بر نظریه‌ی حدوث جسمانی
۶۷	۲-۷-۱- رابطه نفس و بدن
۶۸	۲-۷-۱- رابطه‌ی نفس و بدن از منظر متقدمان
۶۹	۲-۷-۲- رابطه‌ی نفس و بدن از منظر صدرا
۷۱	۲-۷-۳- نقد
۷۳	۲-۷-۴- شبهات بحث رابطه‌ی نفس و بدن
۷۴	۲-۷-۵- پاسخ صدرا به شبهات

عنوان

صفحه

۷۵	۸-۲-قوای نفس.....
۷۵	۲-۸-۱-قوای نفس نباتی
۷۶	۲-۸-۲-قوای نفس حیوانی
۷۸	۲-۸-۳-قوای نفس انسانی
۷۹	۲-۸-۴-تعدد یا وحدت قوای نفس.....
۸۰	۲-۸-۵-رابطه ی نفس و قوا
۸۱	۲-۹-۹-قوهی خیال
۸۱	۲-۹-۱-تعریف
۸۱	۲-۹-۲-تجرد یا مادیت قوهی خیال.....
۸۲	۲-۹-۲-۱-نظر متقدمان دربارهی تجرد یا مادیت قوهی خیال
۸۴	۲-۹-۲-۲-تجرد یا مادیت قوهی خیال از منظر ملاصدرا.....
۸۶	۲-۹-۳-فرآیند حصول ادراک خیالی
۹۰	۲-۱۰-حرکت جوهری نفس
۹۱	۲-۱۱-رابطهی نفس و کمالات آن
۹۳	۲-۱۲-خلاقیات نفس
۹۶	۲-۱۳-نشئات نفس.....
۹۷	۲-۱۴-وحدت یا کثرت نفس.....
۹۸	۲-۱۴-۱-دلیل قائلین به کثرت نفس
۹۸	۲-۱۴-۲-اشکال صدرا بر دلیل مذکور
۹۸	۲-۱۴-۳-نظر قائلین به وحدت نفس
۹۸	۲-۱۴-۴-نظر صدرا دربارهی وحدت نفس.....
۹۹	۲-۱۴-۵-براهین صدرا بر وحدت نفس
۱۰۰	۲-۱۵-علت نفس
۱۰۱	۲-۱۶-ادراک نفس.....
۱۰۱	۲-۱۶-۱-تعریف
۱۰۱	۲-۱۶-۲-مدرک کیست
۱۰۲	۲-۱۶-۳-انحاء ادراک
۱۰۲	۲-۱۶-۴-نظر صدرا درباره ی انحاء ادراک
۱۰۳	۲-۱۶-۵-نسبت نفس و مدرکات آن
۱۰۴	۲-۱۷-سعادت و شقاوت

نتیجه گیری ۱۰۵

فصل سوم: معاد شناسی

مقدمه ۱۰۸

۱-۳- معاد در لغت و اصطلاح ۱۰۹

۲-۳- اقوال مختلف در باب معاد ۱۰۹

۳-۳- تناسخ ۱۱۱

۴-۳- سبب اختلاف نظر در باب معاد ۱۱۴

۵-۳- شبهات منکرین معاد ۱۱۴

۶-۳- معاد جسمانی از منظر متقدمان ۱۱۶

۷-۳- معاد شناسی صدرالمتالهین ۱۲۰

۱-۷-۳- مراتب اعتقاد به معاد ۱۲۰

۲-۷-۳- معاد جسمانی از منظر صدرالمتالهین ۱۲۱

۳-۷-۳- اصول ترتیبی معاد جسمانی صدرا ۱۲۱

۴-۷-۳- نظریه‌ی معاد جسمانی صدرا ۱۲۳

۱-۴-۷-۳- عینیت بدن دنیوی و بدن اخروی ۱۲۳

۲-۴-۷-۳- عدم مادیت بدن اخروی ۱۲۴

۳-۴-۷-۳- تأکید صدرالمتالهین بر لزوم مثلثیت و مادیت بدن اخروی در برخی آثار ۱۲۵

۴-۴-۷-۳- نظر نگارنده ۱۲۵

۵-۴-۷-۳- وجه اضطراب کلام صدرالمتالهین از منظر نگارنده ۱۲۶

۵-۷-۳- شبهات وارده بر معاد جسمانی ۱۲۷

۸-۳- حشر سایر مخلوقات ۱۲۹

۹-۳- سبب مرگ طبیعی از منظر صدرالمتالهین ۱۳۰

۱۰-۳- کیفیت امور اخروی از منظر صدرالمتالهین ۱۳۱

۱-۱۰-۳- نسبت دنیا و آخرت ۱۳۱

۲-۱۰-۳- خواص و لوازم عالم دنیا و آخرت ۱۳۲

۳-۱۰-۳- بدن دنیوی و بدن اخروی ۱۳۳

۴-۱۰-۳- حال اصحاب جهنم و بهشت ۱۳۴

۱۱-۳- تجسم اعمال ۱۳۴

۱-۱۱-۳- معنی تجسم اعمال ۱۳۵

۱۳۵	۲-۱۱-۳-تبيين نظريه‌ی تجسم اعمال.....
۱۳۶	۱۲-۳-وزن اعمال در قيامت.....
۱۳۶	۱۳-۳-نامه‌ی اعمال.....
۱۳۷	۱۴-۳-رابطه‌ی بين اعمال نيك و بد و سرور و الم جهنم و بهشت.....
۱۳۸	۱۵-۳-كيفيت عذاب قبر.....
۱۳۹	نتيجه گيری.....

فصل چهارم: بررسی رابطه علم النفس و معادشناسی

۱۴۲	مقدمه.....
۱۴۳	۱-۴-عناصر کلیدی و مؤثر علم النفس صدرالمتهلين در معادشناسی ایشان.....
۱۴۳	۲-۴-تجرد نفس و لوازم معادشناختی آن.....
۱۴۵	۳-۴-حدوث جسمانی نفس و لوازم معاد شناختی آن.....
۱۴۸	۴-۴-تجرد قوه خیال و لوازم معاد شناختی آن.....
۱۵۳	۵-۴-خلاقیت نفس و لوازم معاد شناختی آن.....
۱۵۵	۶-۴-حرکت جوهری نفس و لوازم معاد شناختی آن.....
۱۵۶	۷-۴-اتحاد علم، عالم و معلوم و لوازم معاد شناختی آن.....
۱۵۷	۸-۴-رابطه‌ی نفس و بدن و لوازم معاد شناختی آن.....
۱۵۸	۹-۴-رابطه‌ی ملکات فاضله یا رذیله اخلاقی با معاد انسان.....
۱۵۹	نتيجه گيری.....
۱۶۲	منابع و مآخذ.....

فصل اول

مقدمه

۱-۱- طرح مسأله تحقیق

یکی از مسائل بنیادی که اندیشه انسان همواره با آن مواجه بوده، مسئله مرگ و حیات پس از آن است. این مسئله به دلیل دوری از حس و تجربه بشر همواره به عنوان راز بزرگ هستی مطرح بوده و هست و پیرامون آن آراء مختلف و بعضاً متناقضی شکل گرفته که برخی درباره وجود و عدم حیات پس از مرگ و برخی ناظر به کیفیت آن می‌باشد. گروهی عقیده دارند که اساساً پس از مرگ حیاتی در کار نیست و با مرگ پرونده و طومار هستی انسان پیچیده می‌شود اما عده کثیری که عمدتاً پیروان ادیان هستند، معتقدند که زندگی انسان با مرگ پایان نمی‌پذیرد بلکه مرگ پایان یک نشئه از حیات و آغاز نشئه ای دیگر است و نسبت به یک نشئه مرگ و نسبت به نشئه دیگر حیات است. این گروه در مورد کیفیت حیات پس از مرگ اختلاف نظر دارند عده ای آن را روحانی صرف، عده ای جسمانی صرف و دسته سوم روحانی و جسمانی می‌دانند.

متفکران بسیاری در این مورد اندیشیده و به بحث پرداخته اند یکی از کسانی که به طور جدی و گسترده در این مورد به اندیشه و بحث پرداخته، صدرالمتالهین شیرازی، حکیم شهیر شیعه مذهب ایرانی است. غالباً کسانی که به شیوه ای عقلی به بحث معاد پرداخته اند، این بحث را در ارتباط با ابعاد وجودی انسان به ویژه نفس به عنوان جوهره وجودی آن مطرح کرده اند و اینجاست که بحث معادشناسی با علم النفس ارتباط پیدا می‌کند. صدرالمتالهین نیز که از جمله کسانی است که با روش عقلی به بحث معاد پرداخته از این قاعده مستثنی نیست و معادشناسی وی ارتباطی وثیق و تنگاتنگ با نفس شناسی ایشان دارد.

لذا در این رساله بر آنیم که به یاری خداوند، رابطه علم النفس و معادشناسی خاص ایشان را مورد کنکاش قرار دهیم. ابتدا دیدگاه‌های نفس شناختی و معاد شناختی ملاصدرا را در قالب فصول جداگانه بیان و بررسی می‌کنیم و سپس در فصل پایانی به ارتباط این دو مبحث و کیفیت و نحوه تأثیر گذاری نفس شناسی وی در معاد شناسی ایشان طی بخش‌های مختلف، می‌پردازیم.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که مسئله معاد با سرنوشت انسان سر و کار دارد بسیار حائز اهمیت است و همه‌ی انسان‌ها از اندیشمند و عامی به نوعی با آن درگیرند. اهمیت این مسأله تا جایی است که یکی از اصول اساسی تمام ادیان، به عنوان یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های فرهنگی جوامع، می‌باشد. مسلم است که انسان اندیشمند نمی‌تواند از کنار چنین مسأله‌ی مهمی بی‌تفاوت بگذرد و او را به سمت تحقیق و کاوش در این امر سوق می‌دهد. از این رو اندیشمندان اسلامی، که سنگربانان فکری و اعتقادی جامعه‌ی اسلامی هستند، خود را ناگزیر از تفکر و تفحص در این حوزه‌ی خطیر دیده‌اند.

در بحث کیفیت معاد مباحث مختلفی مطرح است که اندیشمندان اسلامی به آن پرداخته‌اند و در فصل سوم به آنها پرداخته خواهد شد یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث معادشناسی، مسأله معاد جسمانی است که ظاهر شریعت نیز گویای آن است. در این میان برخی معتقد به معاد جسمانی صرف، برخی معتقد به معاد روحانی صرف و برخی معتقد به هر دو معاد جسمانی و روحانی‌اند.

فلاسفه اسلامی عموماً قائل به هر دو معاد جسمانی و روحانی هستند اما برخی مثل ابن سینا بر این عقیده‌اند که معاد جسمانی قابل اثبات عقلی نیست و عقل از تبیین آن عاجز است (ابن سینا، ۶۸:۱۳۶۴) اما ملاصدرا مدعی است که معاد جسمانی برهانی و قابل تبیین عقلی است و خود بر آن اهتمام ورزیده است. (ملاصدرا، ج ۹، ۱۸۴:۱۳۶۸)

معادشناسی بدون شناخت نفس به منزله هویت واقعی و جوهره هستی انسان که تمام صفات و ملکات وجودی وی را به همراه دارد امکان‌پذیر نمی‌باشد از این رو غالباً کسانی که به بحث عقلی درباره معاد پرداخته‌اند آن را در ارتباط با ابعاد وجودی انسان و نفس شناسی او مطرح کرده و نفس شناسی را مدخل معادشناسی خویش قرار داده‌اند همچنین صدرالمتالهین به لحاظ روش فلسفی و عقلی خود بحث معادشناسی را بر اساس نفس شناسی خاص خویش بنا کرده است لذا ارتباط تنگاتنگی بین این دو بحث وجود دارد. بنابراین ضرورت فهم مدعای صدرالمتالهین در باب معاد اقتضا می‌کند که به ارتباط بین این دو و نحوه اثرگذاری نفس شناسی بر معادشناسی پرداخته شود.

۱-۳- هدف تحقیق

از آنجا که معاد شناسی پیوندی وثیق با نفس شناسی دارد و معاد شناسی صدرالمتالهین نیز از این اصل کلی مستثنی نیست لذا ضرورت فهم معادشناسی صدرالمتالهین اقتضا می‌کند که به

رابطه علم النفس و معادشناسی وی پرداخته شود بنابراین در این رساله تلاش می‌کنیم که اولاً تأثیر نفس شناسی صدرالمতالیهین را در تبیین خاص ایشان از معاد مشخص کنیم ثانیاً عناصر مهم علم النفس صدرا که در بحث معاد نقش اساسی دارند را نشان دهیم و در نهایت روشن کنیم که آیا تبیین خاص صدرا از مسأله ی معاد از اصول مطرح شده بر می‌آید یا اینکه در پیوند با مسائل علم النفس وی نمی‌باشد به عبارت دیگر آیا می‌توان معادشناسی صدرا را نتیجه و لازمه لاینفک نفس شناسی ایشان دانست یا خیر؟

۱-۴- پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت معاد و نفس کارهای متعددی در حوزه معادشناسی و نفس شناسی به طور عام و معادشناسی و نفس شناسی صدرالمتالیهین بطور خاص صورت گرفته که قابل تقدیر است اما به نظر می‌رسد در این رساله‌ها دو کمبود عمده وجود دارد که پژوهشی دیگر را ایجاب می‌کند:

الف) کارهایی که در این زمینه صورت گرفته صرفاً به یکی از بحث‌های معادشناسی و نفس شناسی به طور مجزا پرداخته شده و این دو مبحث را به صورت مرتبط با یکدیگر مطرح نکرده اند به عنوان نمونه به رساله های ذیل می‌توان اشاره کرد:

- عفت پناه، اسماعیل (۱۳۸۳)، بررسی تطبیقی معاد جسمانی از دیدگاه ابن سینا، شیخ اشراق و صدرالمتالیهین، پایان نامه کارشناسی ارشد.

- بابایی، محمد باقر (۱۳۷۴)، بحث اجساد و حشر ارواح از دیدگاه صدرالمتالیهین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات.

- کردی، اله یار (۱۳۸۳)، حدوث و بقای نفس از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا، مؤسسه تحقیقات حکمت و فلسفه ایران.

- سلمانی هودانلو، محمد رضا (۱۳۷۸)، کیفیت رابطه نفس و بدن در حکمت متعالیه، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- متفکر، حسن (۱۳۷۷)، بررسی قوه خیال از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا، دانشگاه قم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- زکوی، علی اصغر (۱۳۷۵)، نحوه ی تجرد نفس و تحلیل برهان‌های آن از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا، دانشگاه تهران.

چنانکه ملاحظه می‌فرمایید در رساله های فوق به رابطه بین علم النفس و معادشناسی پرداخته نشده و صرفاً به بحثی مجزا از آنها اکتفا شده است.

ب) موارد نادری که این دو مبحث یعنی معادشناسی و نفس شناسی ملاصدرا را در ارتباط

با هم مطرح کرده اند بصورت جسته و گریخته و موردی به آن پرداخته اند و بحث جامعی در این مورد ارائه نداده اند به عنوان نمونه می توان به رساله ذیل اشاره کرد:

- ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۸۳)، نظریه خیال نزد ملاصدرا و لوازم معادشناختی آن، دانشگاه امام صادق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

چنانکه ملاحظه فرمودید رساله‌هایی که به این بحث پرداخته اند اولاً نادر و کمیابند ثانیاً آن را به صورت موردی و جزئی مطرح کرده اند نه جامع و گسترده، مثلاً در رساله‌ی فوق فقط به رابطه بین یکی از مباحث علم النفس و ارتباط آن با بحث معاد پرداخته شده اما به مباحثی مانند رابطه نفس و بدن و لوازم معادشناختی آن، حدوث جسمانی و بقای روحانی نفس و لوازم معادشناختی آن و ... پرداخته نشده است؛ لذا در این رساله تلاش می‌کنیم که با لحاظ نقیصه‌های فوق، به بحث جامعی درباره رابطه علم النفس و معادشناسی صدرالمتالهین بپردازیم.

۱-۵- روش تحقیق

روش مطالعه و تحقیق در این پژوهش که یک تحقیق کتابخانه ای می‌باشد، توصیفی و تحلیلی است به این معنا که ابتدا به بیان آراء صدرالمتالهین در باب نفس و معاد و سپس به تحلیل رابطه آن پرداخته می‌شود. منابعی که در این تحقیق استفاده می‌شود به اقتضای موضوع تحقیق، عمدتاً آثار صدرالمتالهین و شارحان و ناقدان وی خواهد بود و روش جمع آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و به صورت فیش برداری از مطالب و تجزیه و تحلیل آنها خواهد بود.

۱-۶- سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: چه رابطه ای بین علم النفس و معادشناسی صدرالمتالهین وجود دارد؟

سؤالات فرعی:

- ۱) کدام عناصر علم النفس ملاصدرا در تبیین معادشناسی خاص ایشان نقش اساسی دارد؟
 - ۲) تبیین خاص صدرا از رابطه نفس و بدن چه کمکی به وی در بحث معادشناسی می‌کند؟
 - ۳) لوازم معادشناختی نظریه حدوث جسمانی نفس چیست؟
 - ۴) لوازم معادشناختی نظریه مجرد قوه خیال چیست؟
 - ۵) از منظر صدرا رابطه ملکات فاضله یا رذیله اخلاقی با معاد انسان چیست؟
- سؤالاتی که در طول تحقیق مطرح شده است :

- (۱) نظریه خلاقیت نفس ملاصدرا چه نقشی در تبیین ملاصدرا از معاد دارد؟
- (۲) نقش نظریه حرکت جوهری نفس در معادشناسی ملاصدرا چیست؟
- (۳) لوازم معادشناختی نظریه اتحاد علم و عالم و معلوم چیست؟

۱-۷- فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی : بین نفس شناسی و معادشناسی صدرا ارتباط وثیقی وجود دارد به گونه ای که بدون بحث نفس شناسی تبیین خاص وی از معاد میسر نیست.

فرضیه های فرعی

- (۱) حدوث جسمانی نفس، مجرد قوه خیال و حرکت جوهری نفس از عناصر اصلی علم النفس صدرا است که نقش اساسی در تبیین معادشناسی ایشان دارد.
- (۲) از آنجا که صدرالمتالهین رابطه نفس و بدن را از قبیل رابطه صورت و ماده و شیئیت شیء را به صورت آن می‌داند لذا شیئیت انسان را به نفس وی می‌داند همین مطلب به صدرالمتالهین کمک می‌کند تا در مبحث معاد این همانی و هوهویت بین بدن دنیوی و اخروی را توجیه کند.
- (۳) نظریه حدوث جسمانی نفس که خود مبتنی بر حرکت جوهری است به صدرالمتالهین کمک کرد تا نشئات مختلف نفس را در عین حفظ تشخص تبیین کند.
- (۴) اثبات مجرد قوه خیال به ایشان کمک کرد تا بقای نفوسی که به مرحله مجرد عقلی نرسیده اند- اکثریت نفوس - و لذات و آلام جسمانی حیات پس از مرگ را اثبات کند بدون آنکه دچار تناقض شود.
- (۵) از نظر صدرا مسائلی همچون مجرد نفس، مجرد قوای نفس، بساطت و فنا ناپذیری نفس و شکل گیری شاکله و شخصیت انسان با صفات و ملکات گوناگون در کیفیت معاد انسان تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۱-۸- ایضاح مفهومی

نفس شناسی: یکی از بحث‌های مهم فلسفه که از قدیم الایام مطرح بوده و به مسائلی از جمله اثبات وجود نفس، تعریف نفس، مجرد نفس، قوای نفس، رابطه نفس و قوا، رابطه نفس و بدن، بقا و عدم بقای آن و... می‌پردازد.

معادشناسی: یکی از مباحثی است که در فلسفه اسلامی همواره بخشی از الهیات بالمعنی

الخاص را به خود اختصاص داده است و در آن به مباحثی از جمله اثبات وجود حیات پس از مرگ و کیفیت آن پرداخته می‌شود.

صدرالمتالهین: صدرالدین محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی، مشهور به صدرالمتالهین یا ملاصدرا، در سال ۹۷۹ یا ۹۸۰، در شیراز، در خانواده‌ای ثروتمند و متنفذ به دنیا آمد. ذکاوت فوق‌العاده و روح جستجوگر او، که از کودکی آشکار بود، موجب شد پدرش، ابراهیم، که به پیشرفت علمی این یگانه پسر علاقه وافری داشت، از هیچ کوششی در راه تعلیم و تربیت او دریغ نرزد اما دیری نپایید که نعمت پدر از کف رفت. وی، پس از مرگ پدر، عازم پایتخت شد که در آن زمان مقرر علمای طراز اول بود در حقیقت زندگی علمی صدرالمتالهین، که بنا بر مقدمه خود او بر اسفار شامل سه مرحله است، با این سفر آغاز می‌شود. اولین مرحله از آن، که بی شک همه یا بخش عمده‌اش در اصفهان سپری شده است، به تعلم علوم عقلی و نقلی گذشت. علوم نقلی را از شیخ بهایی و علوم عقلی را نزد میر داماد، فراگرفت. حضور در نزد این دو استاد، که هر دو اهل ریاضت و سیر و سلوک بودند، او را به سیر و سلوک و مشرب عرفانی علاقمند کرد. احتمالاً در اصفهان از محضر دیگر حکیم و عارف نامدار این عصر، میر ابوالقاسم فندرسکی نیز بهره برده است. با تکمیل علوم عقلی و نقلی این مرحله از زندگی صدرالمتالهین پایان می‌یابد.

مرحله‌ی دوم دوره‌ی او است که، در آن، به علت اوضاع و احوال نامساعدی که مخالفان فلسفه برای او پدید آوردند، کوشش‌های علمی خود را اعم از تدریس و تألیف و در یک کلام علوم رسمی را رها کرد و به عزلت پناه برد و یکسره به سیر و سلوک و ریاضت و مجاهدت و تصفیه باطن پرداخت و به دنبال آن از درون متحول شد. ثمره این مرحله از زندگی او شهود حقایق عوالم بالاست، به طوری که حقیقت آنچه قبلاً با عقل و برهان درک کرده بود و بیش از آن را در این دوران با چشم دل شهود کرد: «فلما بقیت علی هذا الحال، من الاستتار و الانزواء ... زماناً مدیداً... اشتعلت نفسی لطول المجاهدات اشتعالاً نورياً... ففاضت علیها انوار الملكوت ... فاطلعت علی اسرار لم اکن اطلع علیها الی الان... بل کل ما علمته من قبل بالبرهان عاینته مع زوائد بالشهود و العیان من الاسرار الالهیه و الحقایق الصمدانیه» (ملاصدرا، ج ۸، ۱۳۶۸).

مرحله سوم دوره‌ی او است که در آن، پس از فراگیری علوم عقلی و نقلی و تسلط کامل بر آنها و پس از کشف حقایق عوالم بالا، به تعلیم حکمت و پرورش شاگردان و به تألیف آثار خود پرداخته است. در این مرحله است که حکمت متعالیه، که همان نظام فلسفی اوست، در قالب آثار متعدد و پیش از همه در قالب کتاب بزرگ اسفار متولد شد. این حکیم بزرگ بنا بر مشهور در ۱۰۵۰ و به گفته نوه‌اش و به احتمال قوی‌تر در ۱۰۴۵ در سفر حج درگذشت. پیکر او را به نجف اشرف بردند و در جوار مرقد مطهر مولا امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپردند.

از جمله دلایل مخالفت با صدرالمتالهین و تبعید ایشان به کهک قم، مبارزه با قشری‌گری و گرایش به عرفان، انعطاف‌پذیری در برابر نگرش‌های دانشمندان سایر مذاهب، فلسفه ورزی

و...بود.

ملاصدرا نظام فلسفی جدید و مستقلی پایه ریزی کرد که نقطه‌ی تلاقی و تلفیق چهار جریان فکری دوره‌های پیشین یعنی جریان‌های کلامی، عرفانی، اشراقی و مشائی بود و با عنوان حکمت متعالیه شناخته می‌شود.

ملاصدرا علاوه بر عقل و نظر بر نقش بی‌بدیل تهذیب نفس در دریافت حقایق عالییه تأکید می‌ورزید وی با ابتکارات خود در عرصه‌ی حکمت از جمله اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری، وجود رابط معلول و... بسیاری از مسائل لاینحل فلسفه تا آن زمان را حل کرد. یکی از دلایل توفیقات صدرالمتالهین و نیز یکی از ویژگی‌های بارز ایشان بهره‌گیری فراوان از منابع اصیل اسلامی (قرآن و کلام معصومین) می‌باشد او در طول حیات با برکت خود سعی در نزدیک کردن فلسفه و کلام و عرفان نمود و برخلاف پیشینیان توفیق خوبی در این زمینه به دست آورد. آثار صدرا را بالغ بر پنجاه اثر دانسته اند که می‌توان آنها را بر حسب نوع تفکر موجود در پشت هر کدام، در دو دسته‌ی کلی علوم عقلی و نقلی جای داد هر چند علوم عقلی ایشان از نور نقل و علوم منقول ایشان از مساعدت عقل محروم نیست.